

## Future Study of New Endowments in New Islamic Civilization

Zahra Pourshabani \*

Received: 2020/06/09

Accepted: 2020/09/17

### Abstract

In the modern Islamic civilization, the institution of waqf has a special place from both religious and economic perspectives. Despite this position, unfortunately, during the days of the endowment property, especially in the case of registered properties, a part of the national capital has been lost and sometimes the lack of endowment trustees and endowment disorders have caused this religious institution to not be able to maintain its legal and social status. To include its desirable effects in the field of development and welfare in the Islamic community. The present article is a fundamental-theoretical research with a practical approach in a descriptive-analytical manner and documented in written sources. The great world is determined. In line with the above goal and to facilitate the current situation and achieve the future in the new Islamic civilization, the weaknesses and strengths of the endowment institution in the current world should be examined to correct these points in moving towards the future, and the leading threats to opportunities. To become a new one, in order to bring Islamic civilization to its place in the field of competition, economy and trade. Achieving this goal will be achieved through a detailed analysis of the pillars of the endowment institution in the cultural, social, economic and exploitation dimensions, so that Islamic societies with a clearer vision and more principled strategies in the field of management towards new goals moving towards the future. Take a step.

**Keywords:** Islamic Civilization, New Islamic Civilization, Islamic Society, Endowment Institution, Futures Studies.

---

\* PhD in Archeology (Islamic Art and Architecture) , Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, I.R.Iran (Corresponding Author)  
Zahra\_pourshabani@yahoo.com

## آینده پژوهی وقف‌های جدید در تمدن نوین اسلامی

زهرا پورشعبانیان\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸

### چکیده

در تمدن نوین اسلامی، نهاد وقف از دو منظر عبادی و اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. علی‌رغم این جایگاه متأسفانه در گذر ایام عین مال موقوف به ویژه در مورد املاک ثبت شده، باعث شده بخشی از سرمایه ملی از گردش بیفتد و گاه‌آبی مبالغاتی متولیان وقف و اختلالات موقوف نیز باعث شده این نهاد مذهبی نتواند جایگاه حقوقی و اجتماعی خود را به نحو مطلوبی انجام دهد، تا اثرات مطلوب آن در حیطه عمرانی و رفاهی شامل جامعه اسلامی شود. نوشتار حاضر، پژوهشی بنیادی-نظری با رویکردی کاربردی به شیوه توصیفی-تحلیلی و مستند به منابع مکتوب است و هدف آن بررسی ارکان نهاد وقف در جهت احیا و گسترش تمدن نوین اسلامی است تا از این طریق جایگاه این نهاد در رقابت‌های تمدنی در عرصه‌های بزرگ جهانی مشخص گردد. در راستای هدف فوق و برای تسهیل در وضع کنونی و نیل به سوی آینده در تمدن نوین اسلامی نقاط ضعف و قوت نهاد وقف در دنیای فعلی بایستی مورد بررسی قرار گیرد تا در حرکت به سوی آینده این نقاط اصلاح گردند، و تهدیدهای پیش‌رو به فرصت‌های نوینی تبدیل گردند، تا بتوان تمدن اسلامی را به جایگاه خود در عرصه رقابت، اقتصاد و تجارت رساند. نیل به این هدف از طریق تجزیه تحلیل دقیق ارکان نهاد وقف در بُعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بهره‌برداری به دست خواهد آمد، تا جوامع اسلامی با دید روشن‌تر و راهبردهای اصولی‌تر در حوزه مدیریت به سمت اهداف نوین در حرکت به سوی آینده گام بردارند.

**واژگان کلیدی:** تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، جامعه اسلامی، نهاد وقف، آینده پژوهی.

\* (مقاله منتخب پنجمین هفته علمی تمدن نوین اسلامی) \*

\* دکتری تخصصی باستان‌شناسی (هنر و معماری اسلامی)، تهران، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول).

Zahra\_pourshabaniyan@yahoo.com

 0000-0002-7737-7952

## مقدمه

وقف یکی از نیکی‌های سترگ و همیشه سود رسان است که از نظر اخلاقی، بارزترین تجلی روحیه تعاون اجتماعی و پیشی گرفتن در نیکی‌ها شمرده می‌شود، در واقع وقف، کار نیکی است که در سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی، نقش فراوانی دارد. این نهاد، در دوره‌های پیش از اسلام وجود داشته و پس از اسلام، با تأثیرپذیری از جهان‌بینی اسلامی، به صورت استوار و جهت‌دار مطرح می‌شود و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی به جریان خود ادامه می‌دهد، و از عوامل اثرگذار شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون جوامع اسلامی به شمار می‌رود. از این رو، تأثیرات وقف می‌تواند در جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی و فردی انسان، مانند فرهنگ، اقتصاد و دیگر عرصه‌ها، نقش سازنده‌ای داشته باشد. در تمدن نوین اسلامی نهاد وقف، نظامی قانونمند و دارای احکام حقوقی خاص است. سرمایه‌ای همیشگی و ماندگارست که علاوه بر آحاد مردم، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی نیز از خدمات گسترده آن بهره‌مند هستند. بایستی ضمن مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح در اجرای نیت واقفین، کارکردهای ویژه‌ای نیز برای آن قائل بود. از این رو بیشترین درآمد حاصله از وقف در راه کمک به ایتام و مستمندان، ازدواج و کمک به معلولین، پاس‌داشت شعایر دینی و نشر معارف اسلامی صرف می‌شود. همچنین استفاده از منافع موقوفات برای ساختن مساجد و حسینیه‌ها، اداره مجالس عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ و نشر قرآن و دیگر کتاب‌های دینی را، می‌توان از جمله کارکردهای فرهنگی وقف دانست. آینده‌پژوهی در وقف‌های جدید به معنای تشخیص فهم تغییر و مدیریت تغییر در تمدن نوین اسلامی است. در فرآیند آینده‌پژوهی مبداء‌شناسی، مقصدشناسی و جهت‌شناسی در ارکان وقف مورد بحث است. تا بتوان با تهدیدات و تغییرات منفی مقابله نمود، و با آگاهی بیشتری به برنامه‌ریزی صحیح پرداخت. در صورت عدم وجود برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد در آینده نزدیک منافع وقف در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. از این رو هدف در آینده‌پژوهی وقف حفظ منافع ملی آن است، تا بتوان منافع وقف را همانند موقوفاتی که مربوط به چند قرن پیش

است و تاکنون بیش از دهه‌ها نسل از منافع و خدمات آن بهره برده‌اند، به نسل‌های آتی نیز رساند.

با توجه به تغییرات عمیق حاصله در جهان اسلامی و احیای تمدن نوین اسلامی، نقش دو بخش غیر دولتی در کانون توجه دولت‌های بزرگ اسلامی قرار گرفته است. «نهادهای وقفی و خیریه» به عنوان بخش مدنی غیرانتفاعی در راس توجه دولت‌های اسلامی قرار دارد. تحقق اهداف توسعه و رشد اقتصادی این نهاد مدنی در گرو اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی راهبردی رهبران سیاسی و دولتمردان است. با در نظر گرفتن اجتهادی بودن احکام وقف و تغییر و تحول آن توسط فقها در طول تاریخ، طبیعی است که احکام و قواعد حاکم در مدیریت و تنظیم نهاد وقف به تبع تغییرات حاصله در جامعه اسلامی تغییر یابد. در جهان اسلامی معاصر؛ احیا و بازسازی تمدن نوین اسلامی در گرو توجه به عناصر محوری نهاد وقف است و استفاده از تجربیات گذشته و بهره‌برداری از آن ساختن آینده مطلوب و درخشان در شکوفایی تمدن نوین اسلامی را از طریق ارکان نهاد وقف تسریع می‌بخشد. این نوشتار، پژوهشی بنیادی- نظری با رویکردی کاربردی به شیوه توصیفی- تحلیلی و مستند به منابع مکتوب است تا پاسخگویی تأثیرات آینده‌پژوهی نهاد وقف در احیا و گسترش تمدن نوین اسلامی باشد.

#### ۱. پیشینه تحقیق

موضوعی با محوریت آینده‌پژوهی و تأثیرات آن در ارکان یک نهاد مدنی و غیرانتفاعی گسترده «نهاد وقف» به شکل پراکنده و موضوعی در خلال منابع مختلف تاریخ اسلام، تاریخ تمدن، جامعه‌شناسی، و آثار برخی از محققین و پژوهشگران معاصر حوزه اقتصاد، علوم دینی و جامعه‌شناسی آمده است. در راستا می‌توان به عنوان نمونه به منابعی که با رویکرد وقف در فقه اسلامی و نقش آن در تمدن اسلامی همانند (حائری، ۱۳۳۴؛ فوادیان، ۱۳۵۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹؛ مولایی‌پور، ۱۳۸۴؛ امینیان، ۱۳۸۸ و جهانیان، ۱۳۹۶) اشاره نمود. در بخش تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی نیز آثار شاخصی همانند (لوبون، ۱۳۱۸؛ زیدان، ۱۳۷۲؛ هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۱؛ بهمنی، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۵؛ خزایی، ۱۳۹۷ و کاظمی،

۱۳۹۷) اشاره نمود. در بحث آینده‌پژوهی نیز منابع شاخصی همانند (خزائی و محمودزاده، ۱۳۹۲؛ یوسفوند، ۱۳۹۷؛ حاجیان، ۱۳۹۷ و پارسامهر، ۱۳۹۸) اشاره نمود. با توجه به منابع مطالعاتی و کتب شاخص دیگر در زمینه‌های مربوط نقش و تأثیرات آینده‌پژوهی با رویکرد توسعه ارکان شاخص وقف که هر کدام از آن‌ها برای نقش‌آفرینی در ساختار و احیای تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار هستند، به گونه‌ای مستقل پرداخته نشده است، و بررسی‌ها به صورت منفرد و بر یک محور استوار است مقاله حاضر سعی دارد با هدف بررسی وقف در جامعه معاصر با دیدگاهی آینده محور جایگاه این نهاد مردمی و ارکان شاخص اجتماعی آن را بیان کند.

## ۲. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم «ص» برخوردار است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳، ص ۹۰). مقام معظم رهبری؛ تمدن اسلامی را فضایی، که انسان لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند، می‌داند و در آن فضا انسان به غایات مطلوبی می‌رسد. خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، تا زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت است. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۳/۲۲).

## ۳. جایگاه نهاد وقف در تمدن اسلامی

در تعریف لغوی؛ «وقف» را «حبس عین مال و آزاد ساختن منافع آن» گفته‌اند. منظور از «حبس عین» این است که عین مال وقف شده را نمی‌توان در معرض خرید و فروش یا

نقل و انتقالات دیگر قرار داد و برای همیشه، در صورت وقف باقی خواهد ماند و منظور از «آزاد ساختن منافع» هم این است که همه افراد موقوف علیهم «کسانی که چیزی برای آنان وقف شده» می‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۹). وقف دارای فضیلت بسیار و ثواب فراوان است و در روایت صحیح از امام صادق (ع) آمده است: پس از مرگ انسان، چیزی از پاداش دنیا به او نمی‌رسد، مگر از سه چیز، صدقه‌ای که در حال حیات خود جاری «وقف» کرده که پس از مرگ او نیز ادامه دارد و «درآمد آن در راه خیر صرف می‌شود»، راه و رسم نیکی که در زمان خود تاسیس کرده و پس از مرگ او نیز همچنان مورد عمل قرار می‌گیرد و فرزند صالحی که برای او دعا و «استغفار» می‌نماید (حرعاملی، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱). وقف به لحاظ موقوف علیه «مورد مصرف وقف»، به دو نوع «وقف عام» و «وقف خاص» تقسیم می‌شود: «وقف عام» آن است که بر جهت عام مثل مساجد و مدارس و یا بر عنوان عام مثل فقرا و ایتام وقف شود. «وقف خاص» آن است که بر شخص یا اشخاص مخصوص مثل فرزندان و نوادگان واقف یا دیگری وقف شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۵). از منظر حقوق، وقف عمل حقوقی خاصی است که در شمار «عقد معین» قرار دارد و به موجب آن مالکی، به منظور رسیدن به هدف معنوی و اخلاقی، مال یا بخش معین از دارایی خود را «حبس» می‌کند تا از انتقال مصون بماند، و منافع آن را به مصرف در راه رسیدن به هدف خویش اختصاص می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، صص ۷۵-۷۶). با این وصف مفهوم انفاق در اسلام گسترده است و علاوه بر انفاق‌های واجب مانند زکات، خمس و نفقه، انفاق‌های مستحب مانند بخشش، وقف، خیرات، صدقه و هدیه را نیز در بر می‌گیرد. وقف پیوند مستقیم و غیرمستقیم با اقتصاد اسلامی دارد، سلسله مقررات اقتصادی عامل پیوند مستقیم وقف با بُعد اقتصادی اسلام است، و اخلاق عامل پیوند غیرمستقیم وقف با بُعد اقتصاد اسلامی می‌باشد. با مرگ انسان، نامه عملش بسته می‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاری، (مقصود از صدقه جاری، امور خیریه با دوام مثل وقف مسجد، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و غیره است) جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۷). آثار و دستاوردهای وقف از جنبه‌های گوناگونی برای

واقف و افراد جامعه تأثیرگذار است، و سودمندی آن را نمایان می‌کند. آثار فردی وقف جنبه‌های؛ خشنودی خدا، تزکیه نفس و برخورداراری از زندگی پاکیزه، ذخیره پاداش اخروی و تداوم آن، برکت مادی، عاقبت به خیری، تقویت روحیه خدمت به مردم، برخورداراری از دعای خیر دیگران و برخورداراری از نام نیک و جاوید است (ملایی پورقرجه داغی، ۱۳۸۴، ص ۳۶). آثار اجتماعی وقف نیز جنبه‌های؛ افزایش گرایش جامعه به ارزش‌های معنوی و اخلاقی، تقویت حکومت اسلامی، پیشرفت فرهنگی، گسترش عدالت اجتماعی، استقلال و شکوفایی اقتصادی، فقرزدایی را در پی دارد (ملایی پور قرجه داغی، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

#### ۴. شرایط نهاد وقف در جامعه معاصر

در فرآیند آینده‌پژوهی ظرفیت‌های گسترده نهاد وقف به جهت بسترسازی بسیار مناسب جهت تولید، اشتغال و رفاه اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، زیرا نهاد وقف در سیستم جامعه اسلامی می‌تواند نقش تأثیرگذاری را در اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال ایفا کند. بر همین مبنا دو مبحث؛ وضعیت موجود وقف و وضعیت مطلوب وقف به عنوان پیش-زمینه مباحث فکری موجود است، بررسی دقیق و همه جانبه این دو مبحث می‌تواند زمینه-ساز تحولات بنیادین در جایگاه ارکان وقف در جهت احیای تمدن نوین اسلامی باشد، زیرا با بررسی وضعیت موجود وقف در ارکان جامعه می‌توان با دیدی جامع می‌توان برنامه-ریزی‌های راهبردی را به جهت وضعیت مطلوب پیش برد.

#### ۴-۱. وضعیت موجود وقف

این دیدگاه خواهان نگاه دوباره به حالت فعلی نظام اوقاف و ابعاد مختلف آن به منظور شناخت وضعیت فعلی است. به عبارت دیگر اولین اقدام در این خصوص به دست آوردن آمار از اعیان موقوفه و نیز جمع‌آوری اسناد و طبقه‌بندی و بایگانی و نگهداری از آنها با استفاده از فن‌آوری پیشرفته موجود به طوری که در دسترس پژوهشگران، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی قرار گیرد و اوقاف به عنوان موضوع کاوش و پژوهش در چارچوب روشی علمی و پژوهشی درآید (عبادی - خسروی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴) و

#### ۴-۲. وضعیت مطلوب وقف

این دیدگاه خواهان گشودن باب مناقشات فکری - اجتماعی و تشویق اجتهاد فقهی و حقوقی پیرامون ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و ساختاری ویژه نظام اوقاف، و نیز شناخت شبکه ارتباطات آن با طبقات جامعه و سازمان‌های دولتی در کلیه کشورها است. این مرحله مستلزم تهیه فهرستی از موضوعات مربوطه بر حسب اولویت و توسط کارشناسان و خبرگان ماهر در زمینه وقف و نهادهای جامعه مدنی می‌باشد.

لزوم دستیابی به اهداف این دیدگاه شناخت جامع از وضعیت موجود وقف در جامعه است به همین لحاظ؛ وقت آن رسیده که در هر کشوری گزارشی سالیانه پیرامون اوقاف منتشر شود، تا موقعیت فعلی آن و اطلاعات مربوط به اوقاف و سایر تجربه‌ها و اقدامات موفقیت‌آمیز آن را به آگاهی عمومی رسانده و از طرفی نمونه‌های جدیدی از تجربه وقف را عرضه کند تا نهادهای دولتی و سازمان‌های مردمی و حتی شخصیت‌ها این تجربه‌ها را به دیده اهمیت نگرسته و آنها را در تحقق اهداف مربوطه در سطح جامعه فعلی به کار گیرند (عبادی و خسروی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵)

#### ۵. چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی

جهان اسلام محدوده و گستره وسیعی از جهان را دربرمی‌گیرد و جمعیتی بیش از یک چهارم جمعیت جهان را در خود جای داده است. مسلمانان در سراسر جهان پراکنده‌اند؛ اما کشورهای اسلامی به طور عمده در قاره‌های آسیا و آفریقا هستند. به‌رغم تفاوت‌های کشورهای اسلامی با یکدیگر و باوجود پراکندگی مسلمانان در نقاط مختلف جهان، همه آنها فرهنگ و تمدن مشترکی دارند و حوزه تمدنی واحدی را شکل می‌دهند. ازاینرو، جهان اسلام باوجود تفاوت‌های درونی، به عنوان مجموعه تمدنی یکپارچه‌ای شناخته می‌شود. این مجموعه تمدنی، با هویت اسلامی تعریف می‌گردد و از مجموعه‌های تمدنی دیگر متمایز می‌شود. مفهوم تمدن نوین اسلامی در مجموعه تمدنی یکپارچه جهان اسلام باید ایجاد و مستقر گردد، و محدود به یک کشور خاص نیست (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

تکوین تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که



ذهن بسیاری از اندیشمندان در داخل و خارج کشور را به خود مشغول کرده است. تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره‌برداری از امکانات و ابزارهایی که در اثر پیشرفته علمی و فنی تمدنی بشر به دست آمده است در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی آرامش معنوی بشر را نیز به او اعطا کند. تحقق تمدن نوین اسلامی بدون داشتن نقشه راه، چارچوب و الگوی جامع و پیشرو ممکن نخواهد بود البته این الگو باید بر مبنای نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلامی استوار باشد. در جهت ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی ضروری است که به طور همزمان هر دو جنبه ابزاری و سخت‌افزاری تمدن مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه لازم است شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در سه سطح شناختی، ارزشی و رفتاری به عنوان الزامات مورد توجه قرار گیرد، چنین خاستگاهی مجموعه‌ای از الگوهای معرفتی ارزشی و رفتاری را فراهم می‌سازد که هویت خود را در قالب سبک زندگی اسلامی ایرانی به ظهور برسانند. در تمدن‌سازی نیاز است به ابعاد سه‌گانه دانش، نگرش و توانش توجه شود. این سه حوزه لاینفک از هم هستند، عینیت پیدا کردن مسیر بستگی به دانش دارد و در این زمینه باید نگرش‌های لازم و مثبت ایجاد شود و با حفظ ارزش‌ها دانش را به تکنولوژی و عمل تبدیل کرد (فرمی‌فراهمی، ۱۳۹۵، ص ۸۴). در تمدن نوین اسلامی سخن از احیای مجدد تمدن اسلامی با الزامات حیات نوین و مدرن بشر امروزی است و نه تأسیس تمدنی جدید. این رویکرد احیاگرایانه و مسیر تحقق و اکمال آن با مجموعه گسترده از آسیب‌ها و موانع درونی و بیرونی روبروست که برخی از این موانع در مواجهه با مزیت‌ها، پیشران‌ها و مقومات تمدن اسلامی رنگ باخته و قابل ترمیم است. تمدن‌سازی عالی‌ترین سطح از برنامه‌ریزی راهبردی است و از مهم‌ترین سؤال‌های مرتبط در مسیر تحقق آن کشف عوامل بروز انحراف آسیب‌های فراروی این روند باشد. در بررسی عوامل انحراف از یک سو شاهد رویکردهای تراحم و تعارض تقابل و زمینه‌سازی رفتارها و رویکردهای فرهنگی تمدن رقیب به عنوان عوامل بیرونی هستیم و از سوی دیگر آسیب‌ها و ضعف‌های درونی و به ویژه در دو گونه انفعال برخاسته از تقلید-گرایی و یا افراطی‌گری در رویکردهای تمدنی را شاهدیم (داداشی‌آذر و شفیع، ۱۳۹۴،

صص ۵۵-۵۶). شناخت ابزارها و عوامل مقوم‌ساز راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌تواند در مسیر تکامل بشر و رفع ابهامات و ایجاد جامعه متمدن مبتنی بر عدالت و پیشرفت امنیت و رفاه باشد. عمده بسترها و ابزارهای مقاوم این تمدن می‌تواند بر پنج مبنای؛ بسترها و ابزارهای فرهنگی دیپلماسی عمومی، اقتصاد فعال و پویایی اجتماعی، تکامل‌گرایی توحید و نفی هرگونه استعمار و استکبار قرار گرفته بر رویکرد تمدن‌سازی در جامعه را به شبکه‌های محرک پیشنهاد تسهیل‌گر و جذاب تبدیل نمایند (ملک‌محمدی و گودرزی، ۱۳۹۴، ص ۹۶). آینده‌نگری یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های اسلام است که می‌تواند چارچوبی برای سبک زندگی اسلامی و نقشه راهی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باشد. دین اسلام علاوه بر نوید آینده روشن در پایان تلخ همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای ایجاد جامعه مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است. جامعه اسلامی همواره باید بکوشد تا حرکتش حرکت تکاملی و رو به رشد بوده و همواری نوعی آینده‌پژوهی دینی را مدنظر قرار دهد (فرمی‌فراهانی، ۱۳۹۵، ص ۹۴). آینده‌پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن محتمل و مرجع و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است. آینده‌نگری عبارت است از توانایی تصور آینده از طریق مطالعه و تحقیق و یا تصویر پردازی از آینده با بهره‌مندی از روش‌های علمی آموزه‌های دینی و یا کشف و شهود غیر مادی این علم دانش و معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادها فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده باز نگه می‌دارد از ابهام‌ها تردیدها و دغدغه‌های فرساینده می‌خواهد و توانایی انتخاب هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد و به همه اجازه می‌دهد که بدانند به کجا می‌توانند بروند «آینده اکتشافی» به کجا باید بروند «آینده هنجاری» و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند «راهبردهای معطوف به آینده‌سازی» (داداشی‌آذرو شفیعی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

## ۶. جایگاه نهاد وقف در تمدن نوین اسلامی

وقف، یکی از نشانه‌های بارز اهتمام به امور مسلمانان است و برای آنان که درصدد کسب

نیکی‌ها و جلب رضایت حق تعالی هستند، بزرگ‌ترین و معتبرترین توشه برای آخرت به شمار می‌آید. در حقیقت وقف، مصداق روشنی از تعاون، انفاقی بدون منت و احسانی به دور از تحقیر دیگران است، و شاید کامل‌ترین تعریف وقف، تعمیم ثروت و نقش وقف، در شمار مسائل اقتصادی باشد و همواره علما و محققان دین آن را از جمله عقود بر شمرده‌اند. سنت نیکوی وقف، یکی از مصداق‌های آشکار نیکوکاری و غیرخواهی است که انسان، با بهره‌گیری از آموزه‌های پیامبران، از دیرباز آن را بنیان نهاده و در صحنه حیات اجتماعی، به ودیعت گذاشته است، در وقف، دو بُعد خود دوستی و نوع دوستی انسان، به منصفه ظهور می‌رسد. با عضویت انسان در وقف خود دوستی، راهی پیش روی او قرار می‌گیرد، که در آن، نام انسان و مالکیت اموال و دارایی‌های او، تا ابد تضمین می‌شود، و در وقف نوع دوستی، هدف غیرخواهی و مردم‌گرایی است. در این بُعد، بهترین روابط انسانی حاکم می‌شود و دیوارهای تنگ فردپرستی و بی‌تفاوتی در خصوص زندگی دیگران فرو می‌ریزد. تأثیرات توسعه وقف در عرصه کلان جامعه و در عرصه زندگی فردی قابل مشاهده است، این توسعه با شاخص‌های کیفی مانند تعداد موقوفات و رشد توجه معنوی مردم به علت استفاده از موقوفات قابل اندازه‌گیری است (فوادیان، ۱۳۵۱، ص ۴). به دلیل عدم تبیین و تعبیه‌سازی و کارهای لازم بمنظور ایجاد زمینه مشارکت تمامی آحاد جامعه «حتی افراد دارای درآمد متوسط و پایین» در وقف و فقدان طرح‌ریزی مکانیسمی برای این - که افراد بتوانند به صورت انفرادی و با پرداخت هر میزان سهم‌الشرکه و قدرالسهمی در حد توانایی و بضاعت خود، در شکل‌گیری موقوفه‌ای مشارکت نمایند. در حال حاضر اینگونه تلقی می‌شود که وقف فقط مربوط به متمولین و طبقات درآمدی بالای جامعه است. به بیان دیگر ساخت و یا واگذاری یک ملک بعنوان یک موقوفه برای مدرسه، مسجد، درمانگاه و غیره بصورت انفرادی از حد توان بسیاری از افراد جامعه خارج است و سازوکار «وقف جمعی یا گروهی» با احصا و جمع‌آوری منابع کوچک افراد خیر متعلق به طبقات متوسط و پایین جامعه که قصد وقف دارند، در حال حاضر فراهم نیست. به همین اعتبار حجم وقف عام «که تعیین نوع مصارف ناشی از عواید موقوفه، در اختیار سازمان متولی اوقاف است»

به میزان وقف خاص «که نوع مصارف ناشی از عواید موقوفه توسط واقف تعیین شده است و از دست سازمان متولی اوقاف خارج است» کمتر بوده و تعداد موقوفات مطلقه «که درآمد آن در اختیار متولی است و حسب تشخیص هزینه می‌نماید» نسبت به موقوفات غیرمطلقه «که نحوه مصرف آن در وقفنامه قید شده و متولی مکلف به انجام عین آن است» کمتر است و از همه مهم‌تر این‌که آن‌طور که در وظایف سازمان حج، اوقاف و امور خیریه نیز مستند است، بخش اعظم عواید مربوط به موقوفات، صرف نگهداری و توسعه موقوفه و بویژه هزینه‌های اداری، مالی و پرسنلی مربوط به سازمان متولی است و در نتیجه، وظیفه-مندی مشخص و متعینی برای اینکه بخشی از عواید ناشی از موقوفات بویژه در وقفیات عام و مطلقه، صرف تامین نیازهای اقشار ضعیف و نیازمند جامعه شود، وجود ندارد. در فرآیند آینده‌محوری نهاد وقف، باید بتوانیم این سنت حسنه را به مقوله‌ای روزآمد و مدرن تبدیل نماییم و در متن زندگی روزمره مردم قرار دهیم و این امکان را فراهم کنیم که بتوان مبالغ نازل و اموال کوچک را در غالب وقف و برای مصارف خیر جذب نمود. بدین ترتیب افراد فکر می‌کنند تنها افرادی که به تنهایی توانایی ساخت یک موقوفه «درمانگاه، مسجد، مدرسه و غیره» را دارند و یا کسانی که چند خانه و ملک دارند، می‌توانند یکی از آنها را وقف کنند. باید راهکارهای مدیریتی مطرح نمود تا هر یک از آحاد جامعه بتوانند هر میزان از درآمد، سرمایه یا مال و اموال خود را که مایل بودند، وقف امر خیرمورد نظر نمایند. زمینه‌سازی اجرایی و فرهنگ سازی برای ایجاد موقوفات مشارکتی و یا وقفیات گروهی می‌تواند این سنت حسنه را از محاق خارج سازد و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عظیم آن را در خدمت کمک به محرومان و مستمندان قرار دهد.

#### ۷. آینده‌پژوهی و مدیریت راهبردی نهاد وقف

از دیرباز نخبگان و رهبران در راستای اداره مطلوب جوامع انسانی و پاسخگویی به نیازهای بیشمار انسان‌ها از جمله امنیت و حل چالش‌های روز افزون فرارو و حاکمان کوشیدند تا با ابتکار، هنر و خلاقیت مدیریت خود را بر جوامع مسلط و آنها را بهبود ببخشند و از این طریق جایگاه خویش را ارتقا داده و پایدار سازند. دانش آینده‌پژوهی از مهم‌ترین ابزارهایی

است که سیاست‌گذاران و مدیران در راستای اهداف نهادهای گوناگون از آن بهره می‌برند. اهمیت راهبردی این دانش تنها در پیش‌بینی آینده خلاصه نمی‌شود. بلکه در این فرآیند بسترهای کارآمد برای مدیریت و به ویژه مدیریت سازمان‌های تمدنی پیشرو مورد بررسی قرار می‌گیرند. مدیریت راهبردی در جهان کنونی فرآیندی است که چالش‌های اساسی پیش روی مدیران را برطرف می‌سازد و روش‌های مرسوم مدیریتی؛ برنامه‌ریزی بر پایه هدف «برنامه‌ریزی هدف محور» که راهکاری کوتاه مدت است، پیش می‌روند. آینده‌پژوهی سازمان‌های تمدنی را به برنامه‌ریزی بر پایه چشم‌انداز یا برنامه‌ریزی چشم‌انداز محور و برنامه‌ریزی بر پایه سناریو فرامی‌خواند که تفاوت اساسی با برنامه‌ریزی هدف محور دارند و به تبع نتایج متفاوتی نیز به بار خواهد آورد (خزایی، ۱۳۹۷، ص ۹۷). برنامه‌ریزی اساسی‌ترین وظیفه مدیریت راهبردی نهاد وقف در میان وظایف مدیریتی آن است. دیگر وظایف مدیریتی، یعنی سازماندهی، رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است. برنامه‌ریزی جایگاهی را که نهاد وقف در آینده باید در آن قرار گیرد، تعیین می‌کند و سپس مجموعه‌هایی از اعمال کارساز را که برای رسیدن به این وضعیت، در آینده ضروری است، انتخاب و اجرا می‌کند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند. سطح برنامه‌ریزی در این نهاد در سه سطح سازمانی؛ راهبردی، کوتاه مدت و عملیاتی طراحی شده است. تعدد سطح برنامه‌ریزی، به مدیران در سطوح مختلف اجازه می‌دهد که برای تحقق هدف‌های خود، اقدام لازم را به عمل آورند (قوامی، ۱۳۸۳، صص ۲۱۳-۲۱۴). نهاد وقف با وجود تمام نقاط قوت، ضعف‌ها و تهدیدها می‌تواند با اتخاذ راهبردهای مناسب، رشد، توسعه و تکامل در پهنه‌های مختلف تمدن نوین اسلامی را بدست آورد. راهبردهایی که می‌توانند گذر از مرحله کنونی را آسان سازند و تحقق اهداف وقف در تمدن نوین اسلامی را تسریع بخشد.

الف؛ راهبردهایی که براساس آنها تلاش می‌شود با استفاده از نقاط قوت نهاد وقف و بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی، برای زمینه‌سازی و تسریع روند رشد این نهاد در تمدن نوین اسلامی اقدام شود (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۸)؛ برای مثال، تسریع رشد ملی برای

نگهداری، بهره‌برداری و سود بردن از سرمایه‌ها و امکانات طبیعی و انسانی خویش و یا راهبرد استفاده از فرصت‌هایی که فناوری ارتباطی و گسترش ارتباطات در اختیار بشر قرار داده است، برای احیای سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی و عرضه جایگاه ارزشمند وقف در اسلام و معرفی کارکردهای وسیع آن به عنوان نهادی که توانایی پاسخگویی به نیازها و حل بحران‌هایی را که بشر امروز در جامعه اسلامی گرفتار آن شده است، دارد؛ یا راهبرد استفاده از فرصت‌هایی که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در اختیار قرار می‌دهند، برای مشارکت در هنجارسازی‌های بین‌المللی براساس اصول و ارزش‌های جهان‌شمول و منطبق بر فطرت انسانی اسلام.

نتیجه این راهبرد جامع؛ نقش وقف در تعمیم ثروت جامعه و جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت، در تعدیل شکاف‌های اقتصادی در جامعه، در کمرنگ کردن فقر و کمک به محرومین و افراد کم درآمد، در ایجاد رفاه نسبی و توسعه اقتصادی جامعه، در گسترش چتر تامین اجتماعی جامعه، در جبران خلا خدمات دولتی، درآمدزایی وقف و موقوفات و تولید ثروت، در ثبات اقتصادی (رشد اقتصادی)، در گسترش مالکیت‌های عمومی خواهد بود (آجرلو و کوشکی، ۱۳۹۱، صص ۳-۴).

ب؛ راهبردهایی که در آن‌ها تلاش می‌شود با استفاده از فرصت‌های محیطی، نقاط ضعف نهاد وقف برطرف شوند و از تأثیرات منفی آن‌ها کاسته شود (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹)؛ برای مثال، راهبرد استفاده از تعاون اجتماعی، مشارکت سازمان‌ها و نهادهای دولتی برای حل شکاف‌های موجود در گستره موقوفات؛ یا راهبرد بهره گرفتن از تغییر ساختار عمودی قدرت و برقراری ارتباط بین ارزش‌های وقف و آحاد مردم برای مقابله با کمرنگ شدن جایگاه وقف در تمدن نوین اسلامی. نتیجه این راهبرد جامع؛ کمک به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، گسترش وفاق اجتماعی، مبارزه با خود محوری و خودمداری، امنیت اجتماعی، بسط و گسترش روحیه گذشت، تعاون، ایثار، گسترش شعائر دینی و ارزشی، تعمیق باورهای مذهبی و معنوی جامعه و افراد، تکامل روحی و معنوی واقفین، ایجاد ذخیره سرمایه انسانی و اجتماعی و گسترش اخلاق فردی و اجتماعی خواهد

بود (آجرلو و کوشکی، ۱۳۹۱، ص ۴).

ج؛ راهبردهای که در آنها تلاش می‌شود با استفاده بهینه از نقاط قوت نهاد وقف، برای مقابله با تهدیدها و خنثی‌سازی اثرات منفی آنها اقدام شود (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹). با کنترل مدیریتی، و تلاشی منظم برای تعیین استانداردهای اجرای عملیات در جهت هدف‌های برنامه‌ریزی، طراحی نظام‌های بازخورد اطلاعات، مقایسه عملیات اجرا شده با استانداردهای پیش‌بینی شده، تعیین میزان انحرافات و سنجش اهمیت آنها و اجرای هر اقدام ضروری برای اطمینان از این‌که با مؤثرترین و کارآمدترین شیوه، از همه منابع موجود نهاد وقف، برای تحقق هدف‌های مشترک استفاده شده است (قوامی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۰). برای مثال، راهبرد معرفی بهره‌برداری نهاد وقف برای مقابله با فقر و بیکاری در جامعه اسلامی؛ یا راهبرد استفاده از توانمندی‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نهاد وقف برای کاستن از وابستگی کشورهای اسلامی و مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ بر جهان اسلام. د؛ راهبردهایی که با آنها تلاش می‌شود از تأثیرات منفی نقاط ضعف درونی و تهدیدهای محیطی، به موازات هم کاسته شود و از تشدید ضعف‌ها در نتیجه فعال شدن تهدیدها جلوگیری گردد (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹)؛ برای مثال، راهبرد وحدت جامعه اسلامی و کاستن از اختلافات مذهبی با هدف غلبه بر اختلافات درونی و مقابله با سیاست‌ها و تلاش‌های تفرقه‌افکنانه بیرونی؛ یا راهبرد همسو و هماهنگ‌سازی مواضع نهاد وقف در مسائل جامعه اسلامی برای دفع ضعف ناشی از رویکردهای متفاوت.

#### جدول ۱. خلاصه مدیریت راهبردی نهاد وقف

نتیجه راهبرد	نقش و عملکرد وقف
ایجاد رفاه نسبی و توسعه اقتصادی جامعه	تعمیم ثروت جامعه و جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت
ثبات اقتصادی و گسترش مالکیت‌های عمومی	درآمدزایی وقف و موقوفات و تولید ثروت
مبارزه با خود محوری و خودمداری، امنیت اجتماعی، بسط و گسترش روحیه گذشت، تعاون، ایثار، گسترش شعائر دینی و ارزشی	تعاون اجتماعی، مشارکت سازمان‌ها و نهادهای دولتی

بهره گرفتن از تغییر ساختار عمودی قدرت و برقراری ارتباط بین ارزش‌های وقف و آحاد مردم	کمک به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، گسترش وفاق اجتماعی
استفاده از توانمندی‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نهاد وقف	کاستن از وابستگی کشورهای اسلامی و مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ بر جهان اسلام
کاستن نقاط ضعف درونی و تهدیدهای محیطی	وحدت جامعه اسلامی و کاستن از اختلافات مذهبی
همسو و هماهنگ‌سازی مواضع نهاد وقف	دفع ضعف ناشی از رویکردهای متفاوت

#### ۸. آینده محوری توسعه ارکان نهاد وقف

مبنای مطالعات آینده‌پژوهی؛ رشد، توسعه و تکامل در پهنه‌های مختلف می‌باشد و به سوی پیشرفت و گسترش رفاه عمومی جامعه را رهنمون می‌سازد. دست‌یابی به اهداف مشروح بستگی به مدیریت کاربردی در چهار محور اصلی تمدن نوین اسلامی دارد، که به شرح زیر معرفی می‌گردند.

۱. آینده محوری توسعه اجتماعی وقف

۲. آینده محوری توسعه اقتصادی وقف

۳. آینده محوری توسعه فرهنگی وقف

۴. آینده محوری توسعه بهره‌برداری وقف

#### ۸-۱. توسعه اجتماعی وقف

اسلام دینی پویا، زنده و عجین با فعالیت‌های اجتماعی است؛ در تمدن‌های اسلامی خصوصاً تمدن اسلامی- ایرانی، وقف نماد پویایی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محسوب شده است. عملکرد همه جانبه وقف در طول تاریخ این امکان را فراهم می‌سازد، تا تأثیرات مثبت و ارزشمند آن متناسب با نیاز روز جامعه تعریف شود. عملکرد مثبت وقف در دوران‌های مختلف اسلامی به کرات مشاهده شده است، و برخی دوران‌ها به جهت تفاوت‌های کیفی در اجتماع به عنوان شاخص معرفی می‌شوند. از دوران صفویه و قاجار، به عنوان دوران‌های شاخص در گرایش به وقف‌های اجتماعی صحبت شده است.



نهادهای مردمی، رجال و درباریان حکومتی و زنان درباری با مدیریت وقف‌ها و جهت دادن به نیت خود وقف سعی در عمران و آبادانی مناطق مختلفی از ایران داشتند. موقوفات رشیدالدین فضل‌الله که به جز مؤسسه و شهر عظیم فرهنگی ربیع رشیدی، موقوفات دیگری را در سراسر کشور ایران بر جای گذاشت که نام و حدود آنها در وقف‌نامه ربیع رشیدی آمده است (حائری، ۱۳۳۴، ص ۴۳۵). شاه عباس اول صفوی، همه املاک و رقبات مکتسبه خود را و ابنیه گوناگونی که در اصفهان و حوالی آن داشت وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرد و تولید آنها را به خود و پس از خود به سلطان زمان اختصاص داد (حائری، ۱۳۳۴، ص ۴۳۶). شیخ‌علیخان زنگنه از بزرگان دوران صفویه، خاندان سیف‌الدوله از بزرگ‌زادگان دوران قاجار، به عنوان مثال‌های ممتاز دیگری مطرح هستند، که پس از سال‌ها تلاش در جهت رفاه مردم در تهران، همدان، کرمانشاهان، ملایر موقوفات شاخصی به جای گذاشته‌اند. سیف‌الدوله بخش اعظم شهر ملایر را وقف نمود و امروز بیش از ۷۵ درصد ساختار شهر از موقوفات ایشان و درآمدهای حاصل از وقف است (وصیت‌نامه عبدالمحمد میرزاسیف‌الدوله، ۱). حاج حسین آقا ملک بزرگترین واقف تاریخ معاصر ایران، حاج احمد طاهباز از بنیان و عضو هیئت مدیره مؤسسه خیریه کهریزک، حاج عباس مس فروش، شیخ علی اکبر برهان، حاج اکبر ابراهیمی واقف مدارس بسیاری در کشور و بزرگان بسیاری دیگری در طول دهه‌های مختلف در جهت توسعه و گسترش رفاه اجتماعی بخش اعظمی از اموال و دارایی‌های خویش را وقف امور عام‌المنفعه نمودند. جامعه‌شناختی پیشینه وقف بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را به وضوح نشان می‌دهد. با بررسی گرایش‌های مردمی و اجتماعی در طول تاریخ می‌توان آثار شاخص جلوه‌های اجتماعی وقف را در ایجاد و توسعه مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، کاروانسراها، مهمانسراها، قرائت‌خانه‌ها و کتابخانه‌ها و غیره به فراوانی مشاهده نمود (خسروی، ۱۳۷۴، ص ۵).

با این وصف نهاد وقف با تولید و اشتغال در جامعه اسلامی، سیستم اقتصادی را بسوی خودکفایی و توسعه رهنمون می‌سازد. علل‌یابی گرایش و بررسی عوامل مثبت یا منفی

تأثیرگذار در گسترش فرهنگ وقف و نقش عملکردی آن با ارزیابی نقش دولت‌ها و سیاست‌مداران، موقوفات بزرگ و متولیان وقف، مدیریت نیت وقف با توجه به نیاز روز جامعه، رهنمودها در مصرف عایدات وقف و نحوه توزیع آن بین افراد ذینفع در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، با بررسی تاریخی و رویکردی آینده محور مواجه است تا از طریق آن فرهنگ وقف در جهت توسعه و گسترش به سوی اقتصاد و واحدهای تولیدی در جامعه هدایت شود. برای حرکت بسوی تمدن نوین اسلامی و پویایی صنعت کشور، باید بتوان با مدیریت آینده محور ظرفیت واقفان را از طریق سرمایه‌گذاری به سوی اشتغال‌زایی و تولید هدایت نمود تا عملکرد وقف هدفمند و متناسب با نیاز روز کشور پیش رود.

تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه، هرگز به این معنا نیست که نهاد وقف به تنهایی می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد. وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی، نقشی سازنده و قابل توجه در جامعه دارد. سرمایه‌های عظیم وقف همانند دیگر سرمایه‌ها پتانسیل بالایی در راستای فعالیت‌های تولیدی دارد. از اینرو می‌توان با رعایت همه جوانب وقف و موازین شرع و اهداف واقفان، فعالیت‌های تولیدی و خدماتی را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت کرد، تا بدین وسیله به رشد، توسعه، استقلال اقتصادی و سیاسی کشور کمک گردد. از طریق بخش تولید و اقتصاد سرمایه‌های اوقاف نیز افزایش می‌یابد که این امر در راستای اهداف واقفان و رفاه اجتماعی می‌باشد (حائری، ۱۳۳۴، ص ۴۱۲).

#### ۸-۲. توسعه اقتصادی وقف

جهان اسلام دارای قدرت نهفته و امکانات عظیمی مادی هست که در صورت همکاری بین آحاد مردم می‌توان از این ظرفیت‌های مادی استفاده کرد و چشم‌انداز وسیعی برای پیشرفت جامعه فراهم ساخت و تمدن اسلام را به قدرت برتر در جهان تبدیل نمود. بررسی وضعیت منابع طبیعی کشورهای اسلامی بیانگر آن است که این کشورها به صورت بالقوه بسیار قدرتمند و ثروتمند هستند، و متأسفانه سو مدیریت در این کشورها مانع از بهره‌برداری صحیح از این منابع شده است (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۴۱). با توجه به اهمیت

منابع غنی ثروت، فرآیند توسعه عمده «برنامه‌ریزی‌شده»، در جهان سوم در پی تغییر کوتاه مدت توسعه‌ای توسط عاملان فعال اعم از دولت و مردم، نخبگان و حرکت‌های اجتماعی و سازمان‌ها ایجاد می‌گردد. تداوم و پایداری توسعه بستگی تام به حرکت در راستای ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. البته باید در نظر داشت، اولویت دادن به یک بُعد مستلزم نفی ابعاد دیگر نیست. میزان در این مرزبندی، تعیین اولویت ارزش‌های نهادینه شده در فرهنگ هر جامعه دینی با فرآیند جامعه‌ای عاقله یا غیردینی با فرآیند نظام سرمایه‌سالارانه است. با توسعه اقتصادی اسلامی فرآیندی هدایت شده بسوی تغییرات ساختار اقتصادی و افزایش مداوم نظام تولیدی درون نظام اقتصادی یک کشور اسلامی پدید می‌آید، که رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر مطلق را به دنبال خواهد داشت. در این فرآیند، علت مستقیم توسعه انباشت سرمایه فیزیکی، انباشت سرمایه انسانی، و بهره‌وری می‌باشد. نهادهای مناسب در میان جامعه و انجام سیاست‌های عادلانه رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری، و حذف فقر مطلق را به ارمغان آورد. نهاد وقف؛ نهادی مناسب برای رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری، و حذف فقر مطلق است، البته، به شرطی که نهاد وقف از طرق مختلف شرعی، قانونی، و مدیریتی اصلاح شود تا بتواند نیازهای عصر جدید را با توجه به جایگاهش در اسلام تأمین کند. این نهاد با سرمایه فیزیکی به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه گام بر می‌دارد. توسعه در سرمایه فیزیکی نهاد وقف از طریق سرمایه ثابت و سرمایه مولد اقتصادی تأمین می‌گردد. در سرمایه ثابت اقتصادی؛ تأسیسات عام المنفعه، وسایل حمل و نقل، راه‌ها، خطوط راه‌آهن، برق، گاز، ارتباطات، ابنیه و ساختمان‌ها تابع الگوی توسعه قرار می‌گیرند، و بدون وجود این سرمایه‌ها، تولید کالاها و خدمات امکان‌پذیر نیست و در سرمایه مولد اقتصادی؛ کالاهای مصرفی همانند؛ ماشین‌آلات تولیدی، کارخانجات و ادوات کشاورزی تولید می‌گردند، که نمونه‌هایی از سرمایه‌هایی هستند که در اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردارند (ستاری‌فر، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸). اشتغال‌زایی و بهره‌برداری از سرمایه انسانی با بهره‌گیری از سرمایه عظیم اوقاف در مسیر فعالیت‌های گوناگون اقتصادی امکان‌پذیر است، و بخش قابل توجهی از

بیکاران کشور را به کار جذب خواهد کرد و این خود از آثار و برکات بسیار مهمی است که امروزه در دنیا سخت قابل توجه است (حائری، ۱۳۳۴، ص ۴۱۴). دولت اسلامی خیرخواه از یک سو مشوق اقتصاد وقت در جهت تولید کالاهای عمومی و از سوی دیگر برطرف کننده موانع موجود بر سر راه این اقتصاد است، متأسفانه واقعیت‌های میدانی موجود در عرصه اقتصاد در برخی کشورهای اسلامی از جمله ایران نشان می‌دهد که نخست تقاضای وقف با بهره‌وری اندک امید عرضه بیش‌تر و پایدارتر را کمرنگ می‌کند، دوم عرضه وقت با چالش‌های شدیدتری از جمله مراکز موازی فعال در زمینه امور خیریه از قبیل کمیته امداد امام خمینی و بنیاد مستضعفان از یکسو و در کنار آن نهضت مدرسه-سازي توسط خیرین و وجود بناهای عام‌المنفعه و انجمن‌های خیریه محلی که کمک‌های اندک مردم به جمع‌آوری و هدایت می‌کنند مواجه است. سوم نگاه دولت‌های کشورهای اسلامی از جمله دولت ایران به نهاد وقف مطابق با استانداردهای مکتب اقتصادی اسلام نیست و باید اصلاح شود (جهانیان، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸). واقفین و متولیان وقف‌های جدید می‌توانند در آینده محوری الگوی توسعه به انباشت سرمایه فیزیکی کمک کنند. فعالیت‌های عام‌المنفعه از قبیل مدرسه‌سازی، پل‌سازی، بنای مساجد و بیمارستان‌ها و یا احداث مؤسسات تولیدی و وقف آن‌ها به‌طور مستقیم، این نوع سرمایه را افزایش خواهد داد، و متضمن فعالیت‌ها اشتغال‌زا نیز خواهد بود. در الگوی مدیریت نوین هدر نرفتن سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ماهر، و عدم فرار مغزها و تخصص‌ها، افزایش درآمد مردم و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

### ۸-۳. توسعه فرهنگی وقف

مهم‌ترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی از گذشته‌های دور تاکنون کارکرد آموزشی و فرهنگی است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به عنوان یک منبع مستمر مالی مراکز علمی، پشتوانه مردمی داشته است و چه بسیار مدارس و مراکز علمی در جهان اسلام از طریق وقف ایجاد و گسترش یافته‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ با استفاده از درآمدهای اوقاف توانسته‌اند به مدارج عالی علمی برسند.

تقویت مالی مدارس توسط نهاد وقف، این مدارس در سایه پشتیبانی نهاد وقف توانستند در فرهنگ نظام تعلیم و تربیت اروپا تأثیر بگذارند. وقف پاسدار نشر معارف اسلامی است. استفاده از درآمدهای وقف برای ساخت مساجد، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیس کتابخانه‌های عمومی، برگزاری کنگره جهانی حج، مجالس عزاداری ائمه (ع)، مسابقات قرائت قرآن کریم در سطح بین‌المللی و غیره، از کارکردهای فرهنگی و آموزشی وقف می‌باشد. توسعه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی است که با فراهم شدن این مهم، اسباب ترویج فرهنگ مطالعه در بین افراد فراهم می‌شود و بر همین اساس کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با هزاران جلد کتاب خطی و ارزشمند (عظیمی، ۱۳۸۶- غلامی مقدم، ۱۳۹۴)، کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی با کتاب‌های نفیس و ارزشمند (قمی، ۱۳۵۴)، کتابخانه آیت‌الله مرعشی گنجینه اسلامی از مخطوطات اسلامی (خان‌محمدی، ۱۳۶۰)، کتابخانه آستان حضرت معصومه (س) که دارای نسخه‌های خطی و ارزشمند آیت‌الله مرعشی نجفی به عنوان موقوفات ماندگار است (مرعشی، ۱۳۹۷)، کتابخانه آیت‌الله خویی (صدرایی خویی، ۱۳۸۹) نمونه‌ای از کتابخانه‌هایی است که بر مبنای سنت حسنه وقف شکل گرفته و یا توسعه یافته است.

آینده‌پژوهی مدیریت در حوزه وقف فرهنگی، با راهکارهای آموزش محور منجر به بهره‌مندی از مزایای فرهنگی آحاد مردم خصوصاً اقشار محروم می‌گردد. در سیاست فرهنگی جامعه بهره‌مندی اقشار محروم جامعه جرقه خلاقیت را در وجود جامعه شعله ور می‌سازد. نتیجه چنین خلاقیت هدفمندی تفکر پویا و زنده در جامعه است. عملکرد وقف فرهنگی به مثابه باز گرداندن تفکر در لایه‌های زیرین جامعه است، نتیجه چنین راهبردی توسعه فرهنگی جامعه خواهد بود. با پشتیبانی از مؤسسات فرهنگی و دینی که به مردم نزدیک هستند، نوسازی ابزارهای (دعوت) «تبلیغ» و مهیا ساختن آن‌ها برای مواجهه با نیازهای آینده و راهنمایی رهبران فرهنگی و هنری و توسعه سیستم‌هایی که «داعیان» و «مبلغان» را تربیت می‌کند، پشتیبانی مؤسسات تحقیقات علمی و مراکز مطالعات فکری و تأیید و پذیرش فعالیت‌های علمی که شیوه‌های جدید آینده‌شناسی «علم به آینده» را به کار

می‌گیرد و از آنها در توسعه شیوه‌های جدید اجتهاد استفاده می‌کند. آینده پژوهی وقف در ترویج حرکت توسعه فرهنگی و فکری آن نمود می‌یابد (یگانه، ۱۳۹۳، ص ۴).

#### ۸-۴. توسعه بهره‌برداری وقف

نهاد وقف از نظر اجتماعی و اقتصادی کارکرد بسیار مهم در زندگی روزانه و فعالیت شهری دارد، همچنین نقش بسیار مؤثری در شکل‌دهی ساخت فضایی تمدن‌های اسلامی داشته است. اهمیت اقتصادی- اجتماعی وقف در توسعه فضای شهری و تأثیر آن بر نهادهای مذهبی، خدمات عمومی و رفاهی، تأمین هزینه‌های مراسم مذهبی و غیره نهفته است. بدیهی است این تأثیر به بهترین وجه در ارتباط با یک نهاد اقتصادی مثل بازار می‌تواند صورت گیرد. درحالی که بخش عمده درآمد موقوفات بازار به تأمین هزینه‌های خدمات داخل بازار اختصاص دارد (یوسفی‌پور-یدالله‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۴). به عنوان مثال؛ بیشترین موقوفات تجاری و مذهبی شهر آمل مربوط به بازار ارتباط مستقیمی با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر دارد و یکی از عوامل مهم در برپایی شهر آمل بعد از آتش‌سوزی بزرگ ۱۳۳۵ قمری است، با توجه به مدیریت راهبردی نهاد وقف نهادها، تأسیسات دینی و اقتصادی آمل توانسته‌اند به حیات خود ادامه دهند و ثبات توسعه اقتصادی شهر را حفظ نمایند. نهاد وقف توانسته به تناسب مقتضیات زمان و مکان نقش مهمی در محور عمرانی شهر ایفا می‌کند که منجر به گردش اقتصادی گردیده است (یوسفی‌پور و یدالله‌پور، ۱۳۹۴، صص ۶۷-۶۸). در جنوب تهران، می‌توان با ایجاد تحول در مدیریت موقوفات، امتناع از واگذاری سرفعلی‌ها و حق اعیان املاک وقفی، سالانه کردن قراردادهای اجاره‌ای، نوسازی و بازسازی رقبات منفعتی، اختصاص بخشی از درآمدها به سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت، بازنگری در شیوه‌های وقف اموال و املاک، ایجاد اصلاحات در قوانین و مقررات وقفی کشور و فعال‌سازی مشارکت بخش خصوصی در تولید موقوفات از جمله مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی این تحقیق در جهت بهبود وضعیت درآمدی رقبات وقفی است (سوری و یآوری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱). استفاده بهینه و کارآمد از منابع انسانی و فیزیکی در جهت افزایش بهره‌وری آنها، نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. با احیای

بهره‌وری در نهاد وقف می‌توان رشد درآمدی مناسبی برای تمدن‌های اسلامی فراهم کرد. نهاد وقف با احیای توازن فکری بین ارزش‌های معنوی و مادی که امروزه در زندگی بشر مشاهده نمی‌شود، تشدید نیاز به فعالیت تکمیل‌سازی اقدامات حکومتی و خصوصی در تحقق اهداف توسعه و بهره‌برداری از نظام توسعه‌ای وقف می‌تواند شامل تمام نیازهای افراد جامعه اسلامی باشد، و مشارکت عمده‌ی وقف در تکامل ساختار نهادی جامعه از طریق حمایت از بخش‌های خصوصی و ایجاد تسهیلات برای آنان بهره‌برداری اقتصادی در تمدن اسلامی را در پی خواهد داشت (عبدالمحسن، ۱۳۸۳، ص ۲).

در راستای آینده محوری توسعه اقتصادی وقف می‌توان چند نمونه راهکار شاخص معرفی نمود؛

۱. سازماندهی و اصلاح تشکیلات سازمان اوقاف با توجه به رویکردهای نوین و راهبردی در بُعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲. بهبود عملکرد اجرایی در مصارف و عایدات موقوفات

۳. اجرای طرح‌های اقتصادی با هدف افزایش بهره‌بری و سود در فضای موقوفات بدون استفاده

۴. افزایش سطح آگاهی عمومی در ترغیب به سوی وقف‌های جدید که تابع نیازهای معاصر جامعه اسلامی باشد.

۵. کاربردی‌های نوین به بناهایی با عملکردهای اقتصادی و فرهنگی در جهت افزایش بهره‌بری و تأمین رفاه اجتماعی

۶. برگزاری مناقصات سالیانه در اجرای طرح‌های عمرانی و تغییر کاربری موقوفات

۷. بهره‌گیری از نیروی انسانی مجرب و کارآمد در جهت توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی

#### ۹. اهداف توسعه بین‌المللی نهاد وقف

دوران معاصر، به دلیل رشد دانش و فن‌آوری و تغییرهای گسترده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح بین‌المللی، تفاوت‌های آشکار و پیچیدگی‌های فراوانی با سده‌های پیش از خود دارد. ملتی که به دلیل داشته‌های فرهنگی، فکری، سیاسی و تاریخی

و انسانی شایسته بنای تمدن نوین اسلامی است، باید آحاد ملت این آگاهی را در خود بیابند. باید نسبت به خودشان، توانایی‌هایشان، ثروت و سرمایه خدادادی‌شان، پشتوانه‌های مادی و معنوی شان و جایگاه تاریخی و هویتی‌شان آگاه باشند (بهمنی، ۱۳۹۴، صص ۷-۸). این خودآگاهی و توجه را با تمرکز عایدات منابع استراتژیک نهاد وقف می‌توان دریافت. منابعی که ثروت شایان توجهی از عایدات موقوفات را شامل می‌شود و در جایگاه یک نهاد مذهبی، اثرگذاری شایان توجهی در عرصه سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گذارد. نقش-آفرینی نهاد وقف در تحولات آینده محور تمدن نوین اسلامی؛ شامل بررسی شرایط و زیرساخت‌های موقوفات جهت افزایش رفاه اجتماعی سطح ملی و فراملی در کشورهای اسلامی و بسترسازی ایجاد توسعه و رشد اقتصادی برای ایجاد کمپین سراسری مبارزه با فقر، ایجاد عدالت اجتماعی، اشتغال‌زایی، افزایش ثروت اجتماعی و تأمین رفاه آحاد مردم در جوامع مسلمان باشد.

### نتیجه‌گیری

سنت کهن وقف، به مثابه هدیه ابدی برای خدمت عمومی یا نگه‌داشتن اصل چیزی و جاری بودن منفعت آن در جهت خیر و رضای خداست. وقف از جمله عقود معینی است که در فقه اهل سنت و امامیه از اعتبار خاصی برخوردار است. در اقتصاد اسلام خمس و زکات از واجبات دین به شمار می‌رود و خداوند متعال در قرآن کریم همواره در حوزه اقتصاد و رفاه عمومی نکاتی را بیان کرده است، که در حوزه نهاد مدنی وقف جای می‌گیرد. تحقق عدالت اجتماعی، عدم وابستگی اقتصادی، توان تأمین نیازمندی‌ها در سطح عالی رفاه معقول و مطلوب مورد توجه نظام اقتصادی جامعه اسلام است. با توجه به این‌که اسلام دینی پویا و زنده و گره خورده با فعالیت‌های اجتماعی است؛ ایرانیان نیز همیشه وقف‌های خود را متناسب با نیاز روز جامعه انجام می‌دادند. امروز با توجه به نیاز روز جامعه نهاد وقف نیات واقفین خود را باید مدیریت کند و در زمره سرمایه‌گذار به مرحله اشتغال‌زایی و تولید گام بردارد و در این بخش می‌توان از ظرفیت واقفان نیز استفاده کرد و وقف‌ها هدفمند و متناسب با نیاز امروز صورت گیرد. در فرآیند آینده‌پژوهی تغییرات و تهدیدات



مقابله کنیم، گاهی می‌توانیم تغییرات را از همان آغاز درک کنیم، آگاهی داشتن می‌تواند از تغییرات منفی پیشگیری کرد. ظرفیت اقتصادی وقف می‌تواند بستر بسیار مناسبی جهت تولید و اشتغال باشد و نهاد وقف در سیستم اقتصاد اسلامی می‌تواند نقش تأثیرگذاری را در اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال ایفا کند. می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع و اهداف واقفان در جریان فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود به حالت هدایت کرد تا به این وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی کشور کمک شایان و قابل توجه باشد و همچنین بر سرمایه‌های اوقاف افزوده شود که این نیز یقیناً در راستای اهداف واقفان می‌باشد.

## کتابنامه

- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۳)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان، از صص ۸۵-۱۰۸.
- آجرلو، اسماعیل، کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۱)، وقف نماد رشد انسانی در جامعه دینی، سایت راسخون.
- بهمنی، محمد (۱۳۹۴)، راهبردها و راهکارهای فرهنگی تحقق تمدن زمینه‌ساز، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۴، پاییز، از صص ۵-۲۲.
- پارسامهر، تقی (۱۳۹۸)، گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب‌آورسازی جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، از صص ۱۱۷-۱۵۰.
- حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مدظله)، بیانات، سایت *khamenei.ir*
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۶)، چارچوب طراحی اقتصاد وقف، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۶)، اخلاق اقتصادی، جلد ۲، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی.
- حائری (یزدی)، محمدحسن (۱۳۳۴)، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۱.ه.ق)، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، قم: آل‌البیت.
- خان‌محمدی، علی‌اکبر (۱۳۶۰)، گنج و گنجینه، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، تحریرالوسیله، جلد ۲، مترجم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خزایی، حسین (۱۳۹۷)، تمدن نوین اسلامی، عبور از مدیریت استراتژیک، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، از صص ۹۶-۱۱۳.
- داداشی‌آذر، رسول و شفیع، جمال (۱۳۹۴)، آسیب‌ها و عوامل بروز انحراف در روند نیل

به تمدن نوین اسلامی، فصلنامه بین رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۱۹، تابستان، از صص ۷۴-۵۵.

سوری، حجت الله و یآوری، کاظم (۱۳۸۳)، بررسی وضعیت بهره‌برداری اقتصادی از رقبات منفعتی اداره اوقاف جنوب شهر تهران، فصلنامه نامه مفید، شماره ۴۵، آذر و دی، از صص ۱۱۱-۱۳۸.

صدراپی خویی، علی (۱۳۸۹)، کتابخانه وقفی شیخ الاسلام خویی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۶۹، بهار، از صص ۴۹-۷۴.

عبادی، صادق- و خسروی، محمدعلی (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات ساختار وقف در جهان اسلام، تهران: سازمان اوقاف امور خیریه.

عبدالمحسن، محمدالعثمان (۱۳۸۳)، نگاه استراتژیک به ترویج نقش توسعه‌ای وقف، مترجم: جلیل قنواتی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۴۷-۴۸، پاییز و زمستان، از صص ۲-۹. عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، تجزیه و تحلیل محتوای حواشی ۱۰۰ نسخه خطی از مجموعه هدایی مقام معظم رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی، فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی، شماره ۷۹، پاییز، از صص ۳-۲۲.

غلامی مقدم، براتعلی (۱۳۹۴)، بررسی آماری و نمونه‌ای جلد‌های نفیس کتابخانه آستان قدس رضوی، فصلنامه اوراق عتیق، شماره ۴، از صص ۱۱۹-۲۲۰.

فرمehینی فراهانی، محسن (۱۳۹۵)، الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶۷، پاییز، از صص ۸۳-۱۰۲.

فوادیان، محمدرضا (۱۳۵۱)، وقف مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام).

قاسمی، حاکم (۱۳۹۶)، تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبرد- پردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی، فصلنامه آینده پژوهی، شماره سوم، پاییز و زمستان، از صص ۳-۲۱.

قوامی، سید صمصام الدین (۱۳۸۳)، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم: دبیرخانه مجلس

خبرگان رهبری.

کاظمی، سیدآصف (۱۳۹۷)، چشم‌انداز تمدن‌نوین اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، از صص ۲۵-۴۹.

ملایی پورقرجه‌داغی، جواد (۱۳۸۴)، وقف سرمایه‌ای ماندگار، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

قمی، عمید (۱۳۵۴)، کتابخانه‌های عمومی شهر قم، فصلنامه وحید، شماره ۱۸۵، آبان، از صص ۸۲۳-۸۲۶.

ملک محمدی، حسن و گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۴)، بسترها و ابزارهای مقوم راهبردی در نیل به تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای مطالعات راهبردی، شماره ۱۹، تابستان، از صص ۹۵-۱۱۴.

مرعشی، سید محمود (۱۳۹۷)، موقوفات ماندگار (بخش اول) و (بخش دوم) نسخه‌های خطی وقفی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه (س)، فصلنامه میراث شهاب، شماره ۹۲ و ۹۳، از صص ۴-۸۸ و صص ۳-۹۶.

یگانه، راحله (۱۳۹۳)، نقش وقف در توسعه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (مطالعه موردی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، شماره ۲۴-۲۵، پاییز و زمستان، از صص ۱-۲۳.

یوسفی‌فر، شهرام و یدالله‌پور، معصومه (۱۳۹۴)، مؤسسات وقفی در حیات بازار سنتی آمل، فصلنامه وقف میراث، جاویدان، شماره ۹۰، تابستان، از صص ۶۳-۸۶.

### وبسایت

پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله‌العظمی سبحانی (۱۳۹۰)، «ضرورت تشکیل حکومت»،

[www.tohid.ir](http://www.tohid.ir)

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، مجموعه‌ی بیانات مقام معظم

رهبری، «تمدن نوین اسلامی»، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲)، «ولایت فقیه»، [\[Khomeini.ir\]\(http://Khomeini.ir\)](http://www.imam-</a></p></div><div data-bbox=)